

بررسی تایخ و هنر گویان و لولوبیان (اقوام باستانی غرب ایران)

از
فرخ ملکزاده ،
دکتر در باستان شناسی .

در بیشتر کتابهای تاریخی که
برای ایران نوشته اند ، ابتدای
تاریخ ایران از مادی ها و
هخامنشی ها آغاز گردیده و در
آنها ننوشته اند که پیش از آمدن
این اقوام در سرزمین ایران چه
مردمانی میزیسته اند و این
مردمان آیا تمدن و فرهنگ و
هنری داشته اند یا قومی بدوی و
وحشی بوده اند .

قرردیدی نیست که این سکوت و
خاموشی عمری برای آفتست که
تمدن و هنر و فرهنگ مادی و
پارسی را تقلید و حتی در پاره ای
از موارد زائیده تمدن و هنر و
فرهنگ اقوام دیگری مثل مصری
ها یونانیها ، آشوری و سومری
نشان دهند و حال آنکه باستاند

پژوهشها و تحقیقات همان نویسندگان و محققان در زمان آمدن مادی ها و پارسیها به سرزمین ایران، اقوام دیگری که خود با آریائیها نزدیکی بسیار داشته اند^۱ از مدتها پیش در این نواحی جای داشته اند و دولتی بزرگ تشکیل داده بودند که در برابر دولت مقتدر آشور ایستادگی میکرد، تمدن و فرهنگ و هنری عالی و باشکوه داشته اند که آثار و بازمانده های آن را با آنکه هنوز کاوش و پژوهش کافی نشده امروز می شناسیم.

لذا بجاست که تاریخ و تمدن و فرهنگ مردمی را هم که قبل از آمدن هند و اروپاییان در ایران ساکن بوده اند شناخت زیرا در این صورت در بررسی فرهنگ و هنر اقوام باستانی ایران اصالت تمدن نیاکان ما بویژه آریائی ها بیشتر و بهتر آشکار گشته و ما را در جهت ادامه راه پرافتخار گذشتگان خود تشویق و راهنمایی مینماید. بدین سبب بررسی و پژوهش تاریخ و تمدن ایران باستان باید بیشتر از طرف خود ایرانیان بعمل آید تا جهت اطلاع و آگاهی از تمدن نیاکان خود مجبور و ذکر عقاید و نظریات بیگانگان نباشیم. با این مقدمه باید گفت که کشور ما ایران در دوران باستان و امروز مناطق وسیعی را در برداشته و دارد که در هر گوشه آن قوم و قبیله ای سکونت داشته اند ولی برای بررسی صحیح تر و بهتر در این گفت و گو بناچار از یک منطقه کوچک در مغرب ایران و آنهم منحصر بیک زمان مشخص یعنی در هزاره سوم پ. م. صحبت میکنیم.

در هزاره سوم پ. م. در نواحی غربی ایران مردمی ساکن بوده اند که از شمال بجنوب شامل اقوام کوتیان، لولوبیان، کاسیان و عیلامیان میباشند. این اقوام با ملل و اقوام غربی خود یعنی ساکنین بین النهرین و سوریه نیز در تماس و ارتباط بوده اند که آنها نیز از شمال بجنوب عبارتند از هوریان، اکدیان و سومریان (شکل ۱) ولی صحبت ما در اینجا بیشتر درباره کوتیان و لولوبیان است.

۱ - اگر لولوبیان و کوتیان یکی دو قوم دیگر را که مسکن اولیه آنها در یکجا بوده و بعدها بسوی مغرب ایران آمده اند از تیره های دورتر آریائی ندانیم این نکته را نمیتوان نادیده گرفت که چون مسکن آنها در همسایگی اقوام آریائی بوده در بسیاری از رسوم و عادات و معتقدات و هنر و تمدن و غیره بین آنها و آریائی ها شباهت ها و نزدیکی هایی بوده است.

قبایل لولوبی^۲، بخش وسیعی از کوهها و کوهپایه‌ها از قسمت شمال دیاله گرفته تا دریاچه ارومیه و اطراف آن مناطق را اشغال کرده بودند که از لحاظ نژادی از قبایل هوریانی و ادرارتومی نبوده بلکه با احتمال قوی با عیلامیها قرابت داشتند^۳ و بزبان هوریانی لولو بمعنی بیگانه و دشمن است و اولین بار نارام سین^۴ نواده سارگن از شاهان اکد (قرن ۲۳ پ. م.) در کتیبه مشهورش ضمن شرح پیروزی خود از لولوبیان بحث میکند.

واژه گوتی^۵ در هزاره سوم و دوم پ. م. بیک گروه نژادی معین اطلاق میشده که در شرق و شمال و شمال غربی لولوبیان و احتمالاً در آذربایجان کنونی ایران و کردستان زندگی میکردند^۶. ولی تاچندی پیش عده‌ای عقیده داشتند که اراضی قبیله گوتیان همان جبال (جوری داغ) در شمال آشور می باشد^۸ که در این مورد استناد اکثر آنها به متون آشوری بود که در عین حال حاکی از آن است که گوتیان در مرز شمالی آشور مستقر نبوده بلکه در اراضی میان

2 — Louloubi

3 — G. Hüsing, *Der Zagros und seine Volker* (ein Archäologisch-ethnographische Skizze) Der, AO, IX, 3/4.

و کتاب کرمانشاهان باستان از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری. با کوشش دکتر سهراب فیروزیان. تهران ۱۳۴۷. صفحه ۹ و ۱۶.

4 — Narām—Sin

5 — E. Herzfeld, *Iran in the Ancient East*. London 1941 P. 184 Fig. 298. S. Smith, *Early History of Assyria*. London 1928, P. 27;

کرمانشاهان باستان صفحه ۹.

6 — Gutī—Gouti

۷ — م. ا. دیاکونف، تاریخ ماد (ترجمه کریم کشاورز) تهران ۱۳۴۵ خورشیدی صفحه ۱۳۸.

8 — V. Sheil, «Une Nouvelle dynastie Suméro-Accadienne, les rois (guti)», CRAI, 1911 P. 318.

V. Sheil, «Anciennes dynasties de Summer-Accad» CRAI, 1911 P. 606.

Klio VI — 8, P. 212.

زاب سفلی و دجله و جبال سلیمانیه و دیاله ساکن بوده اند^۹ ولی در هزاره اول پ.م. همه اورارتوئیان^{۱۰} و مردم مافناوماد^{۱۱} را کوتی می گفتند فقط در کتیبه های سارکن دوم مادهای ایرانی زبان از کوتیان مشخص و ممتاز گشته اند.^{۱۲} کوتیان زبانی مستقل داشته اند که تا اندازه ای بازبانهای گروه عیلامیان و لولوبیان و کاسپیان که در نواحی زاگروس زندگی میکردند قرابت و نزدیکی داشته است (شکل ۲).

از لحاظ نژادی یکی از انسان شناسان فرانسوی پس از تحقیقاتی که در این مورد نموده است معتقد است قبیله مردمانی که در عصر حاضر بین آذربایجانیه و در ناحیه «شوش» زندگی میکنند با تصاویر و مجسمه هایی که از لولوبیان و کوتیان مانده است مطابقت مینماید^{۱۳} که این قبیله در میان ساکنین زاگروس فراوان بوده است^{۱۴} بجز این دو قوم، مردمان دیگری بنام عیلامی کمی باین تر از منطقه مسکونی لولوبیان و کوتیان یعنی از حدود خرم آباد امروزی تا کرانه های خلیج فارس سکونت داشته اند که آنها نیز پیش از آمدن سرزمین ایران بالولوبیان و کوتیان در یکجا میزیستند.^{۱۵}

لولوبیان و کوتیان که بسبب نزدیکی با قلمرو آشوریه، غالباً مورد تهاجم و حملات آنها قرار میگرفتند، اگرچه خود در برابر آنها ایستادگی

9 — F. Hommel, *Grundriss der Geographie und Geschichte des Alten Orients*. Munchen 1904, P. 252 ff.

F. Delitzsch, *Wo lag das Paradies*. Leipzig 1881, P. 27.

10 — Ourartu

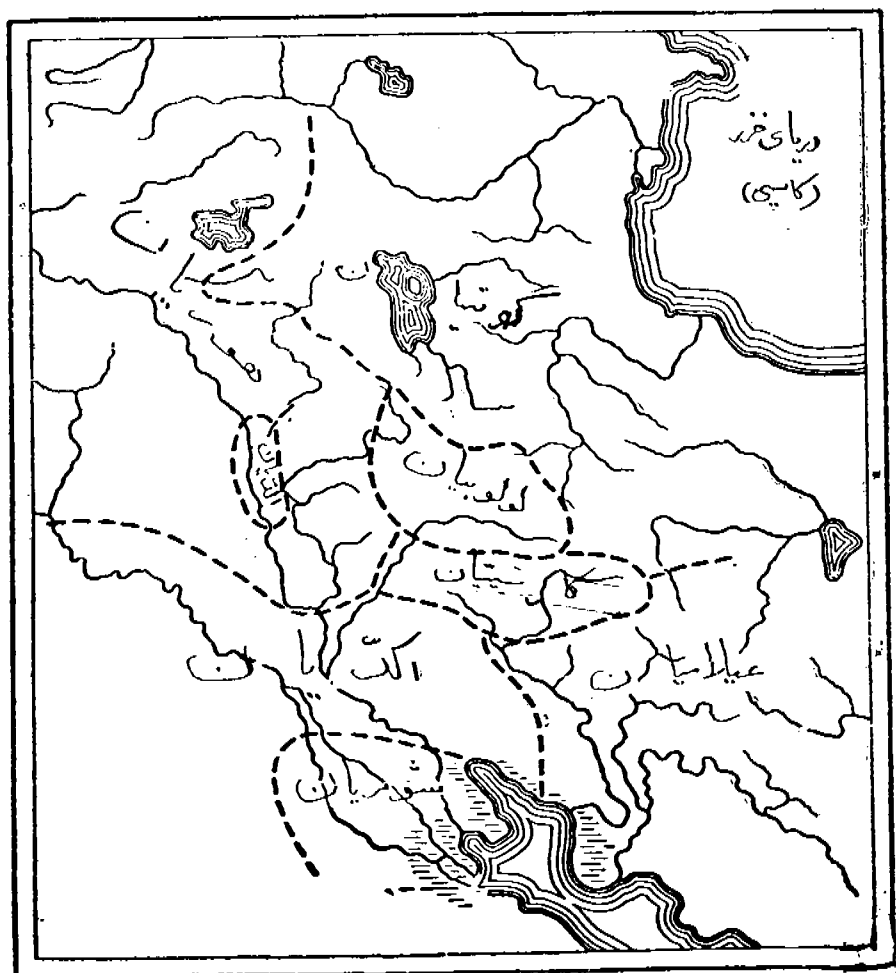
11 — Mannaï

۱۲- ا. م. دیاکوف. تاریخ ماد صفحه ۱۳۸.

13 — E. T. Hamy, «La figure humaine dans les mounments chaldéens», *Bull. et Mém. de la Société anthropologique de Paris*. X X I—3, 1907 P. 125 ff.

14 — G. Contenau, *Manuel d'archéologie Orientale* I. Paris 1927, P. 101 ff.

15 — B. Hrozng, *Histoire de l'Asie Antérieure*. Paris 1947 P. 88-89.



شکل ۲ - محل تقریبی گروه های نژادی در سرزمین ماد از هزاره دوم قبل از میلاد (از کتاب **تاریخ ماد** تألیف ا.م. دیاکونف) ترجمه کشاورز تهران ۱۳۴۵.

می کردند ولی سرانجام باعیلامی ها که توانسته بودند بتازگی دولتی مستقل تشکیل دهند متحد شدند و بـخاک آشور و بابل تاختند .

ولی نکته ای را که باید ذکر نمود اینست که تماس و مناسبات لولوبیان و کوتیان با مردم بین النهرین منحصر بـجنگ و ستیز نبود .

و چون این اقوام کوهستانی راههای مغرب ایران را در دست داشتند بنابراین عملاً رفت و آمد کاروانها و مال التجاره را تحت نظارت داشتند و بجز آن مرتباً به بابل صادراتی میفرستادند و بر اثر همین رفت و آمدها تحت تأثیر تمدن مردم بین النهرین که شهرنشین بوده و تمدن بهتری داشتند قرار میگرفتند .

لذا در نیمه هزاره سوم پ.م. کوتیان که از مشرق بین النهرین حرکت کرده بودند بابل را پایمال کرده و چند قرن حاکم ساکنین آن دشته شدند .^{۱۶} تحقیقاتی که در قل برآک (در دره خابور) که در نزدیکی فرات است شده وجود يك قصر مستحکم را که بوسیله سارکن بنا شده و جانشینان او هم بکارهای ساختمانی ادامه داده و تکمیل نموده بودند اثبات مینماید که منظور از ساختن چنین قصری با وسایل تدافعی بمنظور جلوگیری از مهاجمات کوه نشینان یعنی کوتیان و لولوبیان بوده است .

کوتیان پس از اینکه سلسله اکد را منقرض نمودند شاید بخاطر داشتن قدرت ، مزاحم عیلامیها نیز بوده اند و این تسلط کوتیان ۱۲۵ سال ادامه داشت و پایتخت آنها در آرایها^{۱۷} که شاید کرکوک امروزی و در شمال سوربارتو^{۱۸} بود قرار داشت پیشوای کوتیان که برنارام سین اکدی غلبه یافت انریداوایزیر^{۱۹} بود که حتی شهر نیپور^{۱۹} شهر مقدس و مذهبی سومریان را

16 — R. Ghirshman, *Perse, Proto-Iraniens Mèdes Achéménides* 1963, P. 2;

دکتر احمد بهمنش ، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی . تهران ۱۳۳۳ خورشیدی

صفحه ۵۴ .

17 — Soubartou

18 — Enridavazir

19 — Nippour

نیز فتح کرد ^{۲۰} و تاریخ کشته شدن نارام سین را در جنگ با انریداوا زیر ۲۲۰۲-۲۲۰۱ پ. م ذکر کرده اند ^{۲۱} و سپس فرمانروائی شارکالی ^{۲۲} شاری فرزند نارام سین از ۲۲۰۱-۲۱۷۷ پ. م. دوام داشت و سپس چند تن از سران کوتی بنام ایمتا ^{۲۳} و اینگه شائوش ^{۲۴} و سارلاساب ^{۲۵} و یارلاشماش ^{۲۶} و الولومش ^{۲۷} و بعداً جانشینان او اینی ماباکش ^{۲۸} و اینگه شائوش ادامه داشت. اواخر تسلط کوتیان مجدداً ساکنین بابل و اطراف متحد شده و مانع از نفوذ و حاکمیت کوتیان شدند و نهضتی برای مبارزه و حتی اخراج کوتیان برهبری سلسله جدید اور ایجاد گردید و در جنگی که بهمین مناسبت بوقوع پیوست پادشاهان بابل موفق شدند که قدرت را از دست کوتیان خارج ساخته و خود حاکم سرفروشت اراضی مربوطه باشند و حتی به پیشروی ادامه داده و شوش و سراسر مناطق آنرا جزو ایالات خود نمودند. ولی جالب اینجاست که این حاکمیت نیز مدت زیادی ادامه نیافت و پس از یک قرن اقوام کوهستانی موفق شدند بجز آنکه از قیمومیت آنها خارج شوند پادشاه آنها را نیز مغلوب نموده و باسارت بکوهها بردند.

در این زمان فاتحی جدید از کشورش سیماش ^{۲۹} (که شاید در کوههای

20 — H. V. Hilpsecht, «Earliest Version of the Deluge Story», BE, Ser. D, V, I, P. 20 ff.

21 — E. Thureau-Dangin, «La fin de la domination gutienne» RA, IX, P. 112

22 — Shar-Kali-Sharri

23 — Imta

24 — Ingeshaush

25 — Sarlagab

26 — Yarlagash

27 — Elulumesh

28 — Inimabagesh

29 — Simash

30 — Isin

مغرب اصفهان امروزی بود) فرارسید که برشوش و عیلام حکومت مینمود سپس سلسله ایسین^{۳۰} برخاسته و سیماش را رانده و عیلام را متصرف شد. متأسفانه درباره جزئیات طرز رفتار حکام و اوضاع داخلی اقوام لولوبی و کوتی اطلاع کامل و جالبی تا کنون در دست نیست و ناچاراً جهت بررسی و شناخت بیشتر این اقوام باید تمام نبشته ها و آثاری که مربوط به اینهاست بیشتر مطالعه نمود تا نتیجه گیری صحیح تری بدست آید.

راجع بمناطق این اقوام میدانیم پس از ضعفی که در قدرت نارام سین و پسرش شارکالی بوجود آمد پوزوراینشوشیناک^{۳۱} عیلامی عملیات جنگی خود را با آنها در مناطق شیلوان^{۳۲} و گوتو^{۳۳} و کاشن^{۳۴} و خو(مو)رتوم^{۳۵} و خوخنوری^{۳۶} و کیماش^{۳۷} نزدیک کرکوک که اکثراً ایالت های لولوبیان و هوریان محسوب میشدند بعمل آورد.^{۳۸} و احتمالاً نبشته آنوبانی نی^{۳۹} پادشاه آنها بر صخره سرپل ذهاب^{۴۰} باید مربوط بهمین باشد یعنی در حدود قرن ۲۲ پ. م. البته نام این پادشاه اکدی است و نبشته بزبان اکدی است که دلیل آن قبلاً بعملت اخذ تمدن و فرهنگ گوئیان و لولوبیان از اکدیایان ذکر شد.

لولوبیان در نیمه هزاره سوم پ. م. دارای دولتی قوی بوده و جامعه ای

31 — Puozour—Shoushina

32 — Shilvan

33 — Guto

34 — Kashshan (کشورکاسیان)

35 — Xu (Mu) rtum

36 — Xu xunuri

37 — Kimash

38 — V. Scheil, *Mén. Dél. en Perse*, I-II, P. 53 Pl. 11.

39 — Anubanini

40 — E. Porada, *Iran Ancien*, Paris 1963, P. 33 Fig 15; E. Herzfeld, *Iran in the Ancien East*, Oxford University Press, London 1941, P. 183 Fig 297.

طبقاتی داشتند که در نبشته مزبور سخنی ازدولتی درمیان است که هوریان یا اکدیان بکمک نیروهای مسلح و جالب قبایل لولوبی بوجود آوردند^{۴۱} ولی محل این نقش برجسته تا حدودی شاید خارج از متصرفات آنوبانی‌نی بوده و ممکن است مرز بوسیله آن نقش مشخص شده بود. در نبشته ذکر شده که آنوبانی‌نی پادشاه لولوبوم تصویر خود و ایشتار^{۴۲} را بر کوهی نقر کرده است.^{۴۳} اهمیت فراوان این نقش از چند جنبه قابل بررسی است مثلاً قدیمترین البسه ساکنان ماد رامابرای اولین بار در اینجا مشاهده میکنیم. که پس از گذشته ۱۹ قرن در بدن مادهای پوششی بهمان فرم ادامه داشته است. و بجز مادها مردم ماننا و ماد غربی و کاسپیان نیز لباسشان مشابه آنها بوده است که بجز مدارک فراوانی که از لحاظ باستانشناسی در دست داریم گفته‌های هرودت نیز مؤید این موضوع است. البته در این نقش برجسته آنوبانی‌نی لباس اکدی در بر دارد و اسیران نیز فقط کلاه‌های بسر، که از تصویر اسیران ۸ نفر کلاه‌های سومری و اکدی و نهمی یعنی نفر اول در صف زیر کلاه یساتاجی بسر دارد که این کلاه نیز در هزاره اول ویژه مادهای بوده که بعدها پارسیان نیز از آنها گرفته‌اند این تسلسل و ادامه در بین هزاره سوم و هزاره اول پ. م. نموداری از ادامه عادات و رسوم ساکنان این نواحی است که شاید از لحاظ نژادی و مردم شناسی چندان تغییر نکرده بودند.

فهرستی که از شاهان گوتی موجود است عبارتند از پادشاهان بسیاری که مدت پادشاهی هر کدام از آنها بسیار کم است، و جمعاً بنا بفهرست ۹۱ سال بر مناطق خود و سومر و اکد حکمفرمائی نمودند: ^{۴۴}

41 — BOTU II, 2 (KVD OG, XL11,2), Leipzig. 1926, P.25 ff; KUB, ××VIII, Berlin 1934, No. 38—IV.

42 — Ishtar

43 — J. de Morgan, *Mission Scientifique en Perse* IV. Anvers, 1896 P. 172 Pl. XIII.

کتاب کرمانشاهان باستان صفحات ۱۶-۲۱.

44 — Th. Jacobson, «The Sumerian King—List» *The Oriental Institute of Chicago, Assyriological Studies*, No. 11, Chicago 1939 PP. 147 ff.

- ۱- ایمتا سه سال (۵ سال؟)
 ۲- اینگوشوش ۶ سال
 ۳- سارلافتاب ۶ سال
 ۴- شولمه (=ایارلافتاش) ^{۴۵} ۶ سال
 ۵- اولووش ۶ سال
 ۶- اینی ماباکنی ^{۴۶} ۵ سال
 ۷- اینگه شوش (=ایگه شائوش) ۶ سال
 ۸- ایارلافتاب ^{۴۷} ۱۵ سال
 ۹- ایباته ^{۴۸} ۳ سال
 ۱۰- ایارلانتاب (=ایارلافتاب) ۳ سال
 ۱۱- کوروم ^{۴۹} ۱ سال
 ۱۲- خابیلگین ^{۵۰} ۳ سال
 ۱۳- [لائه] رابوم ۲ سال
 ۱۴- ایراروم ^{۵۱} ۲ سال
 ۱۵- ایرانوم ^{۵۲} ۱ سال
 ۱۶- خابلوم ^{۵۳} ۲ سال
 ۱۷- پوزودر - سون ^{۵۴} ۷ سال

45 — Yarlagash

46 — Inimabagesh

47 — Eyarlagab

48 — Ibate

49 — Kouroum

50 — Khabilgin

51 — Iraroum

52 — Ibranoum

53 — Khabloum

54 — Pozoudr-Souen

۱۸- [ایا] رلاکاند (آ) ۵۵ ۷ سال

۱۹- [سی] اوم ۵۶ ۷ سال

۲۰- تیریکا (ن) ۵۷ ۴۰ روز

۲۱- شاهی که ۹۱ سال و ۴۰ روز سلطنت نمود؛

در لیست پادشاهان و یا حکمرانان فوق‌الذکر چند نکته جالب وجود دارد اول متشابه‌نبودن اسامی، دوم عده زیادی از آنها ۶ سال و ۷ سال پادشاه بوده‌اند. و چون در جهان باستان چنانچه شاهنشاهی درست يك خاندان و یا سلسله‌ای ادامه می‌یافت بارها نام پدر بزرگ و یاجد پادشاه را بر روی فرزند می‌نهادند مثل پادشاهان آشور و هیتی و اورارتو و غیره و مورخین نیز آنها را با شماره‌های ۱ و ۲ مشخص می‌نمایند که بهترین مثال سلسله هخامنشی است که کوروش و داریوش و اردشیر و غیره چندبار تکرار شده‌است. لذا نبودن چنین وضعی در فهرست مزبور مؤید این موضوع می‌تواند بود که این پادشاهان و یا حاکمان از يك خاندان نبوده‌اند و از طرفی چون مدت حکمرانی عده زیادی از آنها ۶ سال و ۷ سال ذکر شده‌است چه بسا جهت انتخاب حاکم یا شاه سیستمی مشابه حکومت‌های جمهوری فعلی داشته‌اند که در رأس مدت معین (و یا بجتهاتی قبل از آن) مجدداً شخص دیگری را انتخاب یا انتصاب مینموده‌اند و بهر حال از حاکم و یا پادشاه خود کاملاً دفاع نموده و فرمانبردار او بوده‌اند و بر اثر همین خصائص بوده‌است که کوتیان با وجود اینکه دارای تمدن و فرهنگ درخشانی نبوده و نسبت به سومریها و اکدی‌ها بدوی‌تر بودند، توانستند بزرگترین ارتش و دولت را با وجود آورده و بر ارتش قوی آن زمان پیروز گردند و از همینجا مفهوم میشود که این فرمانبرداری و اتحاد آنها در مراکز مهم و شهرها نبوده بلکه برای حمله بکشوری چون اکد همبستگی و کمک و

55 — [Iya] relagand (a)

56 — Si [oum]

57 — Tiripân; A. H. Sayce, «The new Babylonian Chronological Tablet», PSBA, x I 1899. 2, P. 20 ff.

A. Boissier, «Inscription de Narâm—Sin», RA XVI, 1919 P. 157 ff.

پشتیبانی همه قبایل ضروری بوده است و چه بسا گوتیان قبل از حمله به اکد از موقعیتهائی استفاده نموده و عواملی را در داخل حکومت و ملت اکد بنفع خویش ساخته و پرورده بودند زیرا بدون کمک از داخل اکد فتح و پیروزی آنها کار آسانی نبوده است.

پیروزی گوتیان بر دشمنان بقدری بر آنها گران آمده است که اوتوهگال^{۵۸} پادشاه شهر اوروک^{۵۹} امیر سلسله پنجم اوروک در کتیبه خود این اقوام را « مار گزنده کوهستان و متجاوز بحریم خدایان » نامیده است که « سلطنت سومریان را به گوهها بردند و سراسر سومر را کینه و دشمنی افکندند » البته این جملات برای قومی مغلوب منطقی است ولی سراسر دوران فرمانروائی اکدی ها بیشتر با جنگهای داخلی و خونریزی و کشت و کشتار گذشته است، و اوضاع و احوال طوری بوده است که مردم بستوه آمده و با احتمال قوی در موقع هجوم گوتیان مردم ستم کشیده اکد برای نجات خود آنها را پشتیبانی کرده اند.^{۶۰} لذا عملاً نقش گوتیان برای مردمان اکد، آزادی بخش و پرثمر بوده است ولی چون هدف مهمتر گوتیان از بین بودن قدرت دشمن و بدست آوردن مال و مکت و غنیمت جنگی بوده است مسلماً مراکز نظامی و بناهایی را که مرکز تجمع سران قوم و یاوریه عیش و عشرت آنها بوده خراب کرده اند و بهمین مناسبت بوده است که در نبشته مزبور آنها را متجاوز بحریم خدایان و غیره ذکر نموده اند. ارزش نبوغ سیاسی و تاکتیکی گوتیان از رفتار آنها پس از این پیروزی کاملاً مشهود است. یعنی گوتیان بخاطر منافع خود با ارزیابی و بررسی هائی که نمودند صلاح را در این دانستند که با بستن مالیاتهای سنگین حکومت را به سران محلی اکد تفویض نمایند و این شیوه سیاستی است بسیار اصولی و با ارزش.

اورپائو پادشاه ثروتمند و مقتدر که همزمان با سقوط قطعی اکد بوده

58 — Outou—Hégal

59 — (Varka) Ourouk

۶۰ — ا.م. . یا کونف . تاریخ ماد صفحه ۱۴۵.

است معابد زیادی در لاگاش^{۶۱} ساخت ولی در تحت حمایت گوتیان بوده و بر سومر حکمرانی میکرد. پس از او در لاگاش قدرت بدست کودآ^{۶۲} داماد اورپانو افتاد که اونیز بناهای جالبی در اور بیانمود ولی بخاطر حفظ موقعیت شخص خود و کشور مالیات یاخراج سالیانه را مرتباً می پرداخت. لذا سیاست اداره کشورهای مفتوح بوسیله سران محلی توسط گوتیان ادامه یافت و در موقعیتهائی در ارتش گوتیان نیز از وجود بعضی از سرداران اکدی مثل نبی-انلیل^{۶۳} و اور-نینازو^{۶۴} (دیرزمان پادشاهی تیریکان) استفاده میشد.

بالاخره جنگ میان تیریکان و اوتوهگال در ۲۱۰۹ ب. م. اتفاق افتاد و تیریکان مغلوب گشته و از میدان نبرد فرار کرده و در دهکده دوبروم پنهان گردید ولی مردم او را تسلیم نمودند و اعدام شد. با این پیروزی اوتوهگال سلطنت سومر و اکد را احیا نمود ولی چندسال بعد که او کشته شد (غرق شد) باز گوتیان توانستند بر مناطق و اراضی سابق حاکم گردند زیرا در این مدت کوتاه طبقه خاصی از حاکمان محلی بین النهرین بفکر منافع شخصی بوده و با زور و اجحاف بفکر کسب ثروت و قدرت و استثمار مردم بوده و لذا تضاد شدیدی بین توده های مردم باقشر حاکم بوجود آمده بود و این تضاد در مردم تنفر و انزجار شدیدی نسبت به حاکمان محلی خود ایجاد نموده و عملاً مردم بین النهرین گرایش بیشتری بایرانیها پیدا کردند و بهمین مناسبت بود که در موقع حمله اخیر گوتیان اکثریت مردم بین النهرین هیچگونه دفاعی از رهبران خود نکرده و حاضر نشدند بخاطر حفظ منافع اربابان با گوتیان بجنگند و باین ترتیب با جان و دل به قیمومیت ایرانیها تن در دادند.

پس از این تاریخ اطلاعات ما راجع به گوتیان بریده بریده و ناقص است ولی از روش سومری ها و اکدیها میدانیم که همیشه سعی داشتند از قبایل لولوبی و کوتی بعنوان کمتر از یک برده استفاده نمایند مثلاً جهت تأمید این

61 — (Telou) Lagash

62 — Goudea

63 — Nabi -- Enlil

64 — Ur—Ninazu

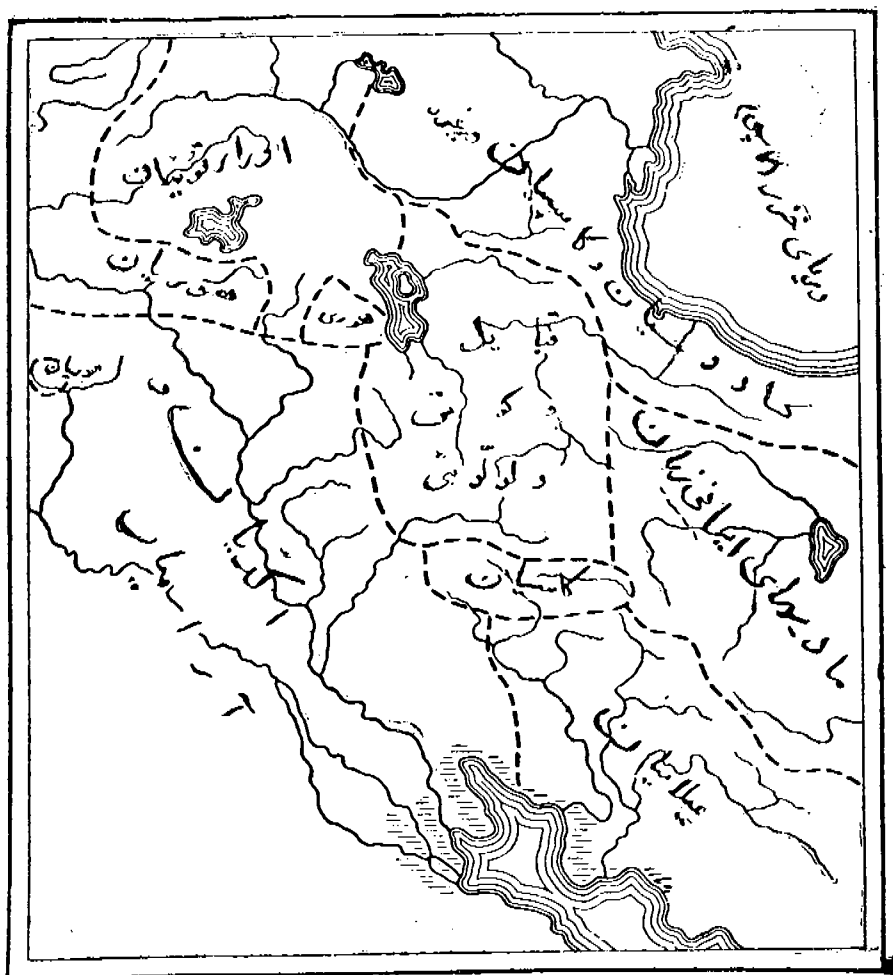
موضوع مدارك جالبی درباره لیست لوازم و خوار بار اردوگاه زنان اسیر که در زمان یکی از پادشاهان سلسله اور در دست می باشد مربوط به بور سین^{۶۵} در حدود ۲۰۵۱ پ.م است^{۶۶} که نمودار اوضاع و احوال و حشتمانک زنان اسیر و زنان باردار و کودکان می باشد و چون اکثر این زنان اسیر را در هنگام لشکر کشی یکی از شاهان سلاله سوم اور به آربل (اور بیلوم)^{۶۷} گرفته بودند معلوم میشود که این ناحیه نیز جزو منطقه کوتی هاست و زنان مزبور نیز از قبایل آنها هستند^{۶۸} و علت حملات و چشم داشت ساکنین بین النهرین بر اراضی کوتیان و لولوبیان در همسایگی و نزدیکی و داشتن ثروت معدنی فراوان (مثل طلا و غیره که برای ساختمانهای معابد و قصور آنها لازم و ضروری بود) و بدست گرفتن راه ترانزیت آن زمان بود که در منظور سیاسی و اقتصادی خلاصه میشود. ولی علیرغم برتری تمدن و فرهنگ ا کدی اقوام ایرانی توانستند پس از سلسله آکاد که پنج پادشاه بنام سلسله چهارم اوروک که ۲۶ سال سلطنت کردند دو سلسله بزرگ بابل را منقرض کنند اول سلسله ای که سارگن تأسیس نموده بود دوم سلسله ای که بنام سومین سلسله اور مشهور است و توسط پادشاهان سیماش مضاعف گردید

در هزاره دوم پ. م. با ظهور اقوام هندواروپائی و حرکت دوشعبه آن، شعبه شرقی که بنام هندو ایرانی معروف است در سمت مشرق دریای خزر حرکت کرده و دسته ای از اینها که شاید جنگجو تر بودند از قفقاز گذشته و تا شط فرات پیش رفتند که با اختلاط با هوریان محلی، پادشاهی میتانی را تشکیل دادند و حتی شمال بین النهرین و آشور را نیز تحت نفوذ گرفتند. و بالاحاق دره های زاگرس شمالی که مسکن قوم کوتی بود قلمرو خود را فزونی داده و بر قدرت خویش افزودند (شکل ۳).

65 — Bour—Sin

66 — VDI-3, 1952, P. 12 ff.

67 — Ourbilloum



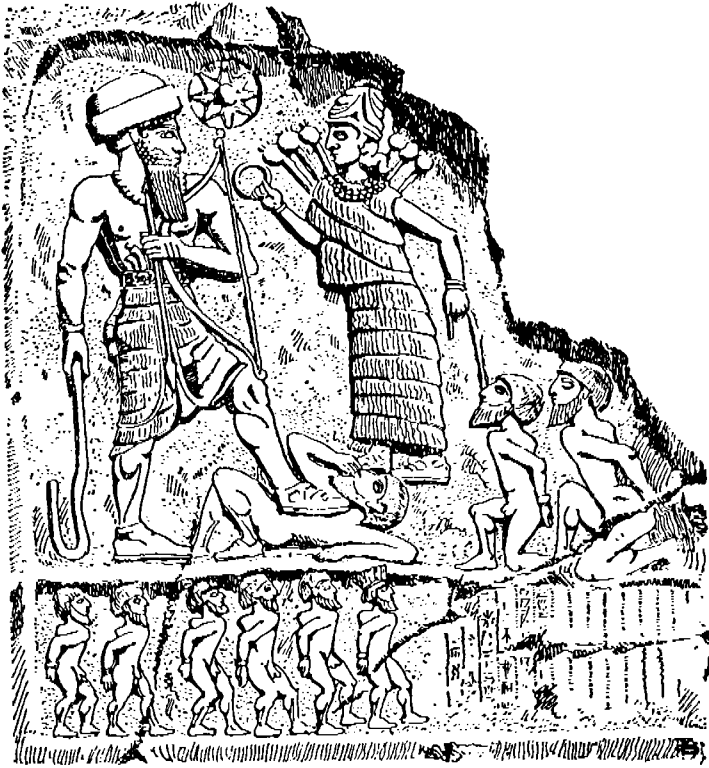
شکل ۳ - محل سکونت تقریبی گروه های نژادی در آغاز هزاره اول قبل از میلاد (از کتاب تاریخ ماد - ص ۱۸۰)

اینک خوبست. اگر چه باختصار هم باشد. ببینیم هنر لولویی و کوتی در هنر مادی و هخامنشی تا چه اندازه تأثیر داشته است.

در بررسی هنر ماد و هخامنشی بویژه در حجاری این دوران اکثر باستانشناسان باعلی از اقوامی مثل آشوریها، مصریها و اورارتوها و غیره نام میبرند که مورد تقلید و اقتباس ایرانیها بوده اند و وجود آثاری در میان ملل نامبرده که تا حدودی پیش تر و یا همزمان و متشابه آثار ماد و هخامنشی است باعث اشاعه این نظریات گردیده است در حالی که در پژوهش و بررسی هراثر هنری قبل از مطالعه درباره میزان اخذ تأثیر و نفوذ هنری از خارج باید هنر اصیل بومی و محلی همان محل در حال و گذشته بیشتر مورد توجه قرار گیرد زیرا بشر در ابداع و خلق هراثر هنری بیش از هر چیز، بآنچه که از استادان و نیاکان خود فرا گرفته و میداند و فکر میکند و با آن در محیط و یا تخیل خود مأنوس شده است و بالطبع آنرا مقبول محیط و جامعه و یا خود میداند، می پردازد و حتی مذهب، رسوم، اعتقادات و آب و هوای محیط و سنین هنری و حس خلق یک اثر عالی و جالب که مورد توجه و مقبول و تحسین جامعه باشد همیشه در همه دوران مورد نظر هنرمندان بوده است. بویژه در روزگار باستان که تعصبات مذهبی و اجتماعی در میان اقوام مختلف شدیدتر بوده و ارتباط نداشتن با خارج نیز کندی و موانعی جهت تأثیر فوری و مستقیم هنرها برهم محسوب میگشته است ما را وادار میکند درباره اصل و ریشه هنرها بیشتر با اصول و هنرهای محلی متکی باشیم و سپس به هنرهای اطراف و جوانب آن معطوف گردیم.

این استدلال برای هنر معماری و حجاری ماد و هخامنشی نیز صادق است. در مطالعه هنر مادی و ادامه آن که هنر هخامنشی است باید قبل از مقایسه آنها با خارج هنر اصیل محل را کاملاً شناخت مثلاً دونهش بر جسته جالب در سر - زمین ماد که متعلق به کوتیان و لولوییان در هزاره سوم پ. م. بوده و هنوز هم با برجاست بهترین دلیل و مدارکی است که باید مورد بررسی قرار گیرند.

در حجاری مادی و بویژه هخامنشی خصوصیات و اصولی همیشه مورد توجه قرار داشته است مثلاً در حجاری بر صخره کوهها، جثه پادشاه همیشه بزرگتر از دیگران تصویر میشد، صورتها نیم رخ ولی چشمها بادامی تمام، در بالا نماد



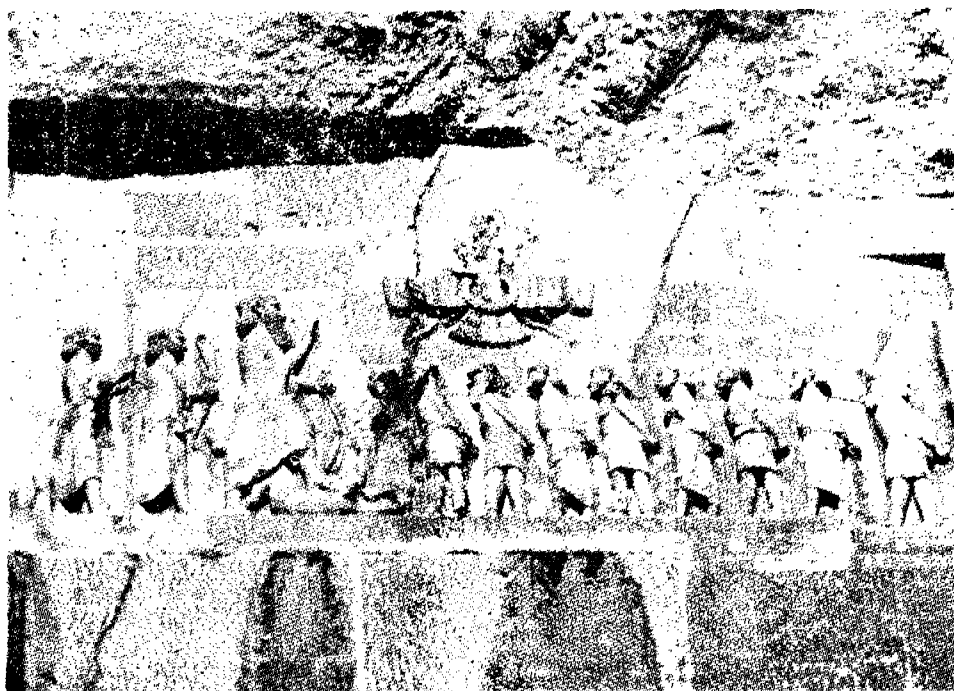
شکل ۴ - برجسته آنوبانی نی پادشاه لولویان در سرپل ذهاب از :

Joseph Wiesner, *Die Kunst des Alten Orients* (Ullstein Kunstgeschichte Alter Orient) Berlin 1963 P. 39 Fig. 12



شکل ۵- نقش برجسته هورین شیخ‌خان از کتاب «ایران از آغاز تا اسلام»

ص ۳۶ شکل ۲۱



شکل ۶- بیستون : نقش برجسته داریوش شاهنشاه هخامنشی و گنومات
 مغ و نه تن یاغیانی که عصیان ورزیده‌اند . از کتاب «گرمانشاهان باستان» ص ۳۴

فروهر، اندازه انسانها اکثراً بیک اندازه و فاصله بین آنها نیز مساوی، اعمال و حرکات تصویر شدگان اکثراً شبیه بهم و تکراری، در يك كادر صحنه های مختلفی بصورت چندرديف رو به هم قرار داشتن، صورت و جهت و حرکات و رفتار اكثر تصوير شدگان در صحنه ها مترجه مر كزيتي بودن و.....

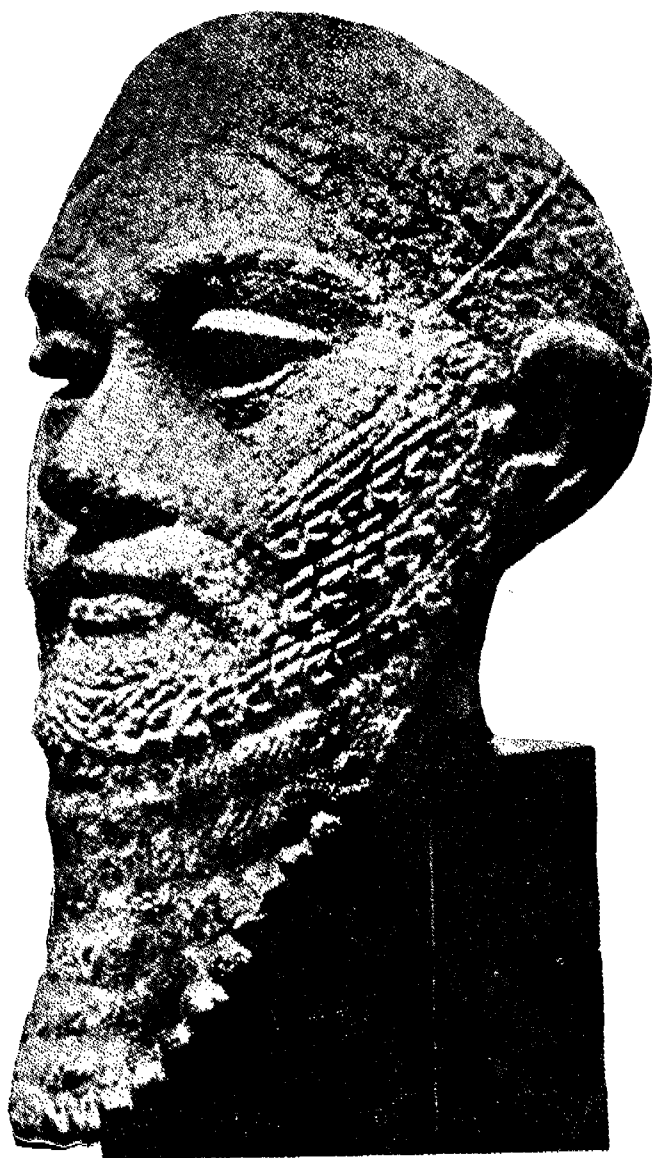
بيشتر ويژگي هاي فوق الذكر در هنر هخامنشي را چون قبل از آنها مصر، آشور و اورارتوئيها در آثارشان منظور داشته اند مورد ملاك جهت تأثير در هنر هخامنشي قرار گرفته است در حاليكه در دو نقش برجسته لولوييان^{۶۹} كه در صخره سرپل ذهاب كار شده است (شكلهاي ۴ و ۵) و بيش از ۱۶ قرن نيز قبل تر از تخت جمشيد مي باشد اكثر اصول، ويژگي هاي فوق الذكر در آنها رعايت شده است. و بجز شباهت اصولي در نكات ذكر شده از لحاظ موضوع صحنه نيز با نقش برجسته اي كه در كوه بيستون است (شكل ۶) كاملاً مطابقت مينمايد زيرا در نقش برجسته گوتيان جمعاً ۹ اسير ديده ميشود كه دستپايشان را از پشت بسته اند و يكي از آنها بزمين افتاده و آنوباني ني پاي خود را بر روي سينه او گذاشته است. در نقش برجسته بيستون نيز جمعاً ۹ اسير وجود دارد كه دستپايشان از پشت بسته شده و يكنفر نيز زير پاي شاه قرار دارد.

همانطوريكه ذكر شد در نقش برجسته لولوييان كلاه نفراول در رديف پائين درست از نوع كلاهائي است كه در دوران هخامنشي بر سر بزرگان پارسي مي بينيم. و برخلاف نظر عده اي كه اين نقش برجسته را تقليد يا تاثيري از سنك يادگار نارام سين ميدانند ميتوان گفت كه كاملاً هنري است مستقل و متكي به اصول و سنن محلي ايران^{۷۰} (شكل ۱۰)

نتيجه اي كه از همين بحث و مقايسه مختصر بدست مي آيد اين است كه

69 - Joseph Wiesner, Die Kunst des Alten Orients (Ullstein Kunstgeschichte (Alter Orient) Berlin 1963 P. 39 Fig. 12.

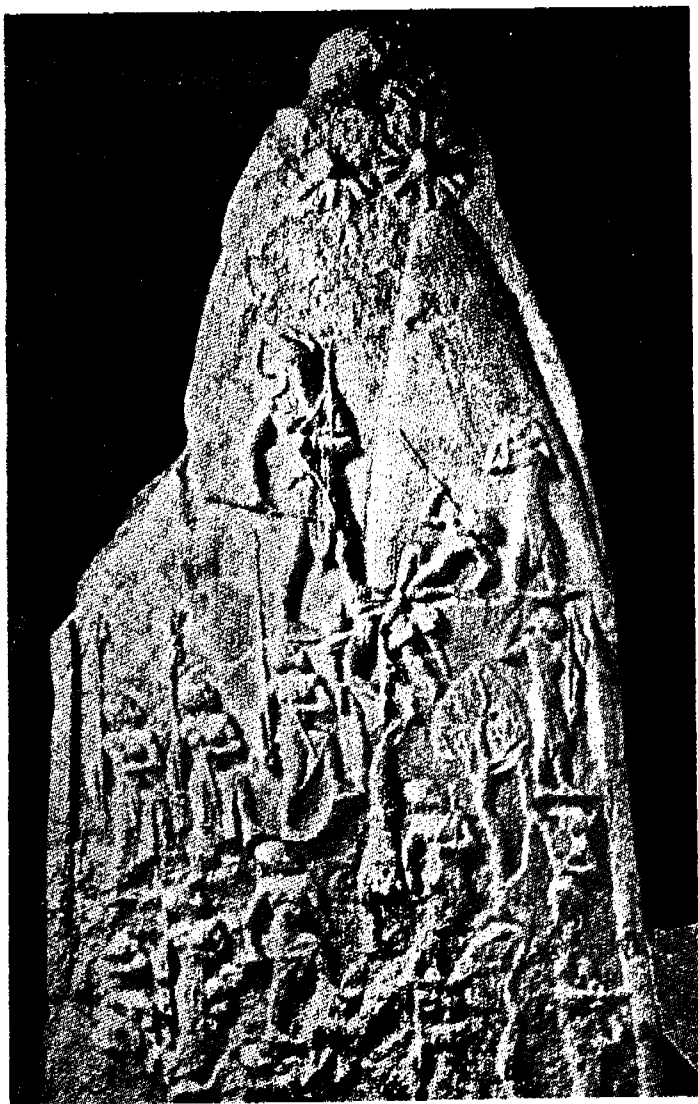
۷۰ - براي سنگ يادگار نارام سين كه بصورت غنيمت جنگي به شوش آورده شد و باستانشناسان فرانسوي آنرا در شوش كشف و به موزه لوور بردند نگاه كنيد به مقاله « نكاهي بگذشته ها بكمك باستانشناسي » بقلم دكتور عيسي بهنام در شماره ۳۰ مجله هنر و مردم فروردين ۱۳۴۴ خورشيدي صفحات ۶ - ۱۰ . همچنين در صفحه ۱۸۵ شكل ۴ كتاب ملل قديم آسيای غربي تأليف دكتور احمد بهمنش . تهران ۱۳۳۳ خورشيدي.



شکل ۷ - مجسمه سر - تصویر از پادشاه گوتیان ، از مفرغ ، کار صنعتگر
 اکدی یا عیلامی ، پایان هزاره سوم قبل از میلاد (?) از کتاب تاریخ ماد ص ۱۴۸
 شکل ۱۰



شکل ۸ - مجسمه سر از مفرغ - بسیار کهن مکشوف از سلماس (۹) در
حدود اوایل هزاره سوم پیش از میلاد (۹) از کتاب میراث ایرانی مقاله پرفسور
ج.ه. ایلینف ص ۳۰ لوحه ۴



شکل ۱۰ - سنگ یادگار نارام سین که بصورت غنیمت جنگی بشوش آورده شد. (فعلا در موزه لوور قرار دارد) از مقاله «نگاهی به گذشته ها بکمک باستانشناسی» به قلم دکتر عیسی بهنام ، مجله هنر و مردم شماره ۳ فروردین ۱۳۴۴ خورشیدی - ص ۶

هنرمادی و پارسی برخلاف عقیده محققان و باستان شناسان بیگانه که آنرا تقلیدی از هنر سومری، آشوری، مصری، یونانی و اورارتوئی میدانند از هنر ساکنان قدیمی تر سرزمین ایران یعنی لولوبی ها و کوتی ها متأثر شده است و بنابراین، بیشتر رنگ محلی دارد تا تقلید از هنر همسایگان و اقوام دورتر. و نیز چنین نتیجه میگیریم که در نیمه هزاره سوم پیش از میلاد در غرب ایران اقوام کوتیان و لولوبیان در تاریخ کشور ما اهمیت بسزائی داشته اند و با وجود داشتن زندگی کوهستانی مردمانی شجاع، با سیاست و هنرمند بوده اند^{۷۱} که روح آزاد منشی و وطن پرستی و بلندپروازی آنها باعث اتحاد و همبستگی واقعی همه اقوام ایران گشت و موفق شدند در برابر بزرگترین امپراطوری عصر خود و قوی ترین ارتش زمان ابراز وجود نموده و حتی بر آنها حاکم کردند.

تمدن و هنر اینان مقام هنری و اصالت واقعی تمدن این مرز و بوم و بخصوص آریایی ها را بخوبی اثبات نموده و فرضیه های «نفوذ تمدنهای بیگانه در فرهنگ و هنر ایران باستان» را رد می نماید و چون برخلاف بین النهرین در ایران حفاریات و تحقیقات فراوانی بعمل نیامده است در نتیجه حفاریها و پژوهشهای بعدی باستان شناسان و دانشمندان، با احتمال قوی اولین مراکز تمدنهای اولیه جهان باستان در ایران معرفی خواهد شد که به تمدن و هنر کشورها و مناطق دیگر نیز نفوذ داشته است.

متأسفانه چون بیشتر دانشمندان غربی بعللی مرکز تمدنهای اولیه و شهرهای باستانی را در اطراف فلسطین و بین النهرین و حوالی آن که محل تولد موسی و عیسی می باشد جست و جو مینمایند کمتر با اقوام همزمان و مرتبط با آنها توجه دارند و چنانچه ذکر و تحقیقی نیز در باره این اقوام بشود بخاطر

۷۱ - چون در این مقاله از هنر این اقوام فقط از دو نقش برجسته بحث شد بجاست که دو مجسمه سر، از مغرغ را که شبیه سر برنزی مکشوف از نینوا (متعلق به فارام سین؟) است معرفی کنیم. (شکلهای ۷-۸-۹).

بررسی و تحقیقی است که در شناخت تمدن و زبان و هنر آنها انجام میگیرد نه برای اقوام مرتبط با آنها، و متأسفانه زاویه دید برای شناخت تمدن و هنر اقوام ایرانی نیز از دریچه نبشته‌ها و منابع رقیبان و دشمنان همزمان چنین اقوامی است که نمیتواند مقرون بحقیقت باشد و باید بخاطر و برای شناخت اقوام باستانی ایران کاوشها و پژوهشهایی در مناطق مختلف ایران توسط هیئت های علمی انجام پذیرد و چنانچه این کاوشها توسط دانشمندان متخصص و مطلع ایرانی عملی گردد مسلماً پرتیر خواهد بود.

پایان

بعضی از مقالات و کتاب های مهمی که در نوشتن این مقاله از آنها سود جسته ام

- Boissier (A). — «Inscription de Narâmn—Sin», RA XVI (1911).
- Cameron (G). — *History of Early Iran*. Chicago 1936.
- Contenau (G). — *Manuel d'Archéologie Orientale I*. Paris 1927.
- Delitsch (F). — *Wo lag das Paradies*. Leipzig 1881.
- Ghirshman (R). — *Perse, Proto-iraniens Médes Achéménides* 1963, P. 2
- Ghirshman (R). — *Iran des origines à l'Islam*. Paris 1951
- Hamg (E.T.). «La figure humaine dans les monuments chaldéens»,
Bul. et Mém. de la Société anthropologique de Paris. ××I-3, 1907
P. 125 f.
- Herzfeld (E). — *Iran in the Ancient East*. London—Newyork, Oxford
University Press 1941.
- Hilpsecht (H.V.). — «Earliest version of the Deluge story», Be. Ser.
- Hilpsecht (H.V.). — «Earliest version of the Deluge story», Be. Ser.
D. 5, I
- Hommel (F). — «Assyriological notes», PSBA ××I, 1886.
- Hommel (F). — *Grundriss der Geographie und Geschichte des Alten
Orient*. München 1904.
- Hrozng (B.). — *Histoire de l'Asie Antérieure*. Paris 1947
- Hüsing (G.). — «Der Zagros und seine Volker», AO IX, 3—4.
- Jacobson (Th.). — «The Sumerian King—List», *The Oriental Institute of
Chicago, Assyriological Studies* No. 11, Chicago 1939 P. 147 ff.
- Lacheman (E.R.).—«Nuzi Geographical names», BASOR No. 78.—1940.

Morgan (J. de). — *Mission Scientifique en Perse IV*, Anvers 1896.

Parrot (A.). — *Assur*. Paris 1961.

Porada (E). — *Iran Ancien*. Paris 1963.

Sayce (A.H.) — «The new Babylonian chronological tablet», PSBA × × I 1899.

Speiser (E.A.). — *Mesopotamian Origins*. Philadelphia 1930.

Smith (S.). — *Early History of Assyria*. London 1928.

Sheil (V.). — «Une nouvelle dynastie Suméro-Accadienne, Les rois Guti», CRAT 1911.

Sheil (V.). — «Anciennes dynasties de Summer», CRAT 1911.

Thureau (E.) — Dangin, — «La fin de la domination Gutienne» RA IX.

Thureau (E.) — Dangin, — «Tablette de Samarra» RA 1912

Joseph Wiesner, *Die Kunst des Alten Orients (Ullstein Kunstgeschichte Alter Orient)* Berlin 1963 P. 39 Fig. 12.

۱. م. دیاکوف. **تاریخ ماد** (ترجمه کریم کشاورز) تهران ۱۳۴۵ خورشیدی.

رمان گیرشمن. **ایران از آغاز تا اسلام** (ترجمه دکتر محمد معین) تهران

۱۳۳۶ خورشیدی.

رمان گیرشمن. **هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی** (ترجمه دکتر عیسی

بهنام) تهران ۱۳۴۷ خورشیدی.

کرمانشاهان باستان (بکوشش دکتر سهراب فیروزیان) تهران ۱۳۴۷ خورشیدی.

دکتر احمد بهمنش. **تاریخ ملل آسیای غربی**. تهران ۱۳۳۶ خورشیدی.

میراث ایران (اذا انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب) تهران ۱۳۴۶ خورشیدی.

نشانه های اختصاری که در این مقاله به کار رفته است

| | |
|-------|---|
| AO | <i>Archiv Orientalny</i> |
| BASOR | <i>Bulletin of American Schools of Oriental Research</i> |
| BSA | <i>Annual of the British School at Athens</i> |
| CRAI | <i>Comptes rendus des Séances (Académie des Inscriptions et Belles lettres)</i> |
| RA | <i>Revue d'Assyriologie</i> |